خبرها

تولید ۵ میلیون بشکه نفت در روز

فارس: مدیر عامل شرکت مهندسی و توسعه نفت گفت: تولید ۵ میلیون بشکه نفت خام در روز دور از انتظار نیست و با قدری سرمایه گذاری و تجهیز وسایل می توان به این حجم تولید دست یافت. مهدی بازرگان در حاشیه یازدهمین نمایشگاه بین المللی نفت، گاز و پتروشیمی گفت: شرکت متن برای رسیدن به سمت تولید ۵ میلیون بشکه نفت خام در روز که هم اکنون حدود ۴/۰۵ میلیون بشکه نفت در روز است، روش های مختلفی را مدنظر دارد. وی افزود: تولید صیانتی از میادین و توسعه میادین جدید از جمله راهکارهای مورد نظر است که تزریق آب، گاز، نفت پمپ از جمله روش های مورد استفاده است. بازرگان یادآوری کرد: در این زمینه میادین مشترک در اولویت قرار دارند و در ۶سال گذشته ۳۰۰هزار بشکه نفت خام در روز برای حفظ سطح فعلی تولید اضافه شده است و ۳۰۰هزار بشکه دیگر نیز در سال جاری به این حجم اضافه می شود. مدیرعامل شرکت متن با اشاره به قراردادهای در دست اقدام این شرکت گفت: این شرکت هم اکنون ۱۴ قرارداد مربوط به ۱۴ میدان را در دست بررسی و مطالعه دارد که ۴ قرارداد آن منعقد شده است و ۱۰ قرارداد دیگر آماده انعقاد است که اگر مسائل مربوط به نوع قراردادها مشخص شود، این ده قرارداد نیز انجام می شود.

چراغ سبز به افزایش بهای بلیت هواپیما

فارس: دبیر انجمن شرکت های هواپیمایی گفت: از وزیر راه و ترابری برای افزایش بهای بلیت نشانه امیدواری دریافت کرده ایم. علیاری در خصوص افزایش نرخ بلیت هواپیما افزود: پیش بینی افزایش نرخ بلیت هواپیما به شرایط اقتصادی کشور و تصمیمات دولت بستگی دارد. دبیر انجمن شرکت های حمل ونقل هوایی تصریح کرد: نقطه نظر وزیر در خصوص تعیین قیمت بلیت هواپیما با شرایط عرضه و تقاضا نقطه نظر مثبتی است. وی همچنین از کاهش ضریب اشغال صندلی هواپیماها در سال جاری خبر داد و گفت: به دلیل اینکه تعداد هواپیما و شرکت های هواپیمایی مسافربری بیشتر شده بنابراین ضریب اشغال صندلی کاهش می یابد. علیاری ادامه داد: افزایش تعداد هواپیماها بنا به گفته مسئولان در سال جاری دشوار است چون بستگی به شرایط سیاسی و اقتصادی کشور دارد. وی تاکید کرد: شرکت های هواپیمایی همچنان در پی افزایش ناوگان هوایی خود هستند.

مهلت یک ماهه برای مبارزه با قاچاق

برنامه: دولت در بخشنامه ای به وزارتخانه ها، به تمام دستگاه های اجرایی کشور یک ماه مهلت داد تا برنامه جامع پیشگیری و مبارزه با قاچاق کالا و ارز در حوزه مربوط به دستگاه یا استان خود را تدوین و به ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز ارسال کنند. در این بخشنامه آمده است: نظر به اهمیت خسارت وارده از قاچاق به اقتصاد کشور و لزوم استفاده فراگیر از تمام ظرفیت ها برای مبارزه با آن، لازم است تمام دستگاه های اجرایی برنامه جامع پیشگیری و مبارزه با قاچاق کالا و ارز در حوزه مربوط به دستگاه یا استان خود را براساس چارچوبی که از سوی ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز اعلام می شود ظرف مدت یک ماه تهیه و با تائید عالی ترین مقام دستگاه به ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز ارسال کنند. بنابراین گزارش برنامه پیشنهادی باید به گونه ای تنظیم شود که هر دستگاه مسئول اصلی پیشگیری و مبارزه با قاچاق در تمام بخش های حوزه مربوط به خود بوده و با تعیین یکی از معاونان خود به عنوان مسئول پیگیری، از تمام ابزارها و اختیارات قانونی موجود خود برای پیشگیری و مقابله استفاده کند.

۵ میلیارد دلار برای پنج پالایشگاه

فارس: دولت در سال ۸۵ بیش از ۵ میلیارد دلار به بازسازی دو پالایشگاه و ساخت سه پالایشگاه میعانات گازی در کشور اختصاص خواهد داد. به گزارش روابط عمومی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور در راستای توانمندسازی مردم برای صرفه جویی منطقی انرژی و مصرف بهینه آن به دولت اجازه داده می شود در سقف اعتبار طرح های بهینه سازی مصرف انرژی در نظر گرفته شده در بودجه سال ۱۳۸۵ کل کشور و همچنین منابع داخلی وزارت نفت از طریق شرکت های دولتی تابعه و شرکت توانیر به صورت وجوه اداره شده یارانه سود تسهیلات با کمک بلاعوض مبالغی پرداخت کند. این مبالغ برای توسعه و حمل ونقل عمومی و ریلی، گازسوز کردن خودروها، برقی کردن موتور چاه های کشاورزی، تشویق تولید و ترویج وسایل نفت و گازسوز کم مصرف توسعه فناوری انرژی های نو و بخش های مشابه هزینه می شود. در بخش دیگری از این تبصره وزارت نفت مکلف شده تا سقف ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار در مقابل صادرات نفت خام و معاوضه آن نسبت به واردات بنزین مورد نیاز کشور اقدام کند. در بخش دیگری از این تبصره وزارت نفت مکلف شده تا سقف ۲ میلیارد و ۸۵۰ میلیون لازم اعتبار با رعایت ضوابط اقتصاد مهندسی پالایش نسبت به اجرای طرح بهینه سازی و بازسازی پالایشگاه های اصفهان و اراک اقدام کند. اجرای این طرح ها که باید تا پایان سال ۸۷ خاتمه یابد به صورت فاینانس یا بیع متقابل است. این گزارش می افزاید: با اجرای این طرح تولید روزانه این دو پالایشگاه باید در زمینه بنزین با اکتان ۹۰، ۹۲ و ۹۵ به ۲۳ میلیون و ۵۰۰ هزار لیتر افزایش یابد و تولید نفت گاز به ۴ میلیون لیتر و گاز مایع به ۳میلیون و ۵۰۰هزار لیتر برسد. همچنین تولید نفت کوره در این پالایشگاه ها باید ۳۰میلیون لیتر کاهش یابد. همچنین در بخش دیگری از این تبصره مجلس شورای اسلامی تصویب کرده است که تا پایان سال ۸۷ با هزینه ای تا سقف ۲ میلیارد و ۲۷۵ میلیون دلار طرح اجرا و احداث سه پالایشگاه میعانات گازی با ظرفیت ۳۶۰ هزار بشکه در روز به اتمام برسد.

نقدی بر کاهش دستوری نرخ بهره

پوپولیسم اقتصادی

مراد فرهادپور

مراد فرهادپور نویسنده و مترجمی است که نام او در ایران با مکتب فرانکفورت و نظریه انتقادی گره خورده است. از ترجمه های مهم او می توان به «تجربه مدرنیته» مارشال برمن و «دیالکتیک روشنگری» هورکهایم و آدورنو اشاره کرد. دو کتاب تالیفی او نیز عبارت اند از «عقل افسرده» (مجموعه مقالات) و «بادهای غربی» (مجموعه گفت وگوها و سخنرانی ها). او از اعضای اصلی فصلنامه نظری «ارغنون» بود که به مدت ده سال منتشر شد. فرهادپور که اخیراً با صراحت بیشتری به دخالت نظری و سیاسی در باب سیاست روز پرداخته است، در مقاله حاضر از منظر اقتصاد سیاسی، برنامه کاهش نرخ بهره بانکی را نقد می کند.

■ ■ ■

حوادث و تصمیمات اخیر در حوزه اقتصاد گویای این واقعیت است که دولت احمدی نژاد نسبت به خصلت خود وفادار باقی مانده است. البته این وفاداری عمدتاً در حوزه سیاست خارجی تجلی یافته است. پافشاری دولت بر حق ملی برخورداری از تکنولوژی هسته ای، تلاش گسترده برای پیوند زدن آن به جنبش ملی شدن صنعت نفت و برخی موارد دیگر (همچون تاکید نهادن بر قدرت، عظمت و جایگاه ایران در منطقه و جهان)، جملگی موجب افزایش توان دولت برای مقاومت در برابر فشارهای آشکار و پنهان شده است و بدین ترتیب آمادگی و قدرت دولت در چانه زدن سیاسی و استفاده از تاکتیک های گوناگون برای دستیابی به خواسته هایش نیز، با توجه به واکنش ها و تحلیل های سیاسی طرف مقابل، افزایش یافته است. لیکن در این میان نکته اصلی ماهیت خود این خواسته ها است، نه ابزارها و روش های تحقق آنها. چنین به نظر می رسد که مسئله تکنولوژی هسته ای، برخلاف تلاش همه جانبه سیاستمداران و رسانه های غربی و برخلاف برخی از تبلیغات و توجیهات دولت ایران، اصل مسئله یا محل اصلی نزاع نیست. دولت (یا حکومت) جمهوری اسلامی ایران همچون هر دولتی ـ مستقل از نوع و ماهیتش ـ قبل از هر چیز خواهان تضمین حاکمیت خویش و حفظ و تداوم آن است. حضور نظامی آمریکا در تقریباً سراسر مرزهای ایران وجود تهدیدی واقعی و همیشگی برای حاکمیت دولت ایران را ورای هرگونه شک و تردیدی، به اثبات می رساند. مسئولیت اصلی استفاده یا توسل برخی از دولت ها به روش ها و ابزارهای نامتعارف به گردن همان کسانی است که، به واسطه قدرت نظامی و اقتصادی شان، مدعی برقراری و حفظ صلح و امنیت در سراسر جهان اند ـ به ویژه اگر عدم دسترسی، عدم آشنایی، یا حتی بی اعتمادی دولت های ضعیف تر دلیل بارز و بی واسطه بروز بحران باشد. روشن ساختن ریشه یا محل اصلی نزاع، جدی گرفتن مطالبات مشروع همگان و پاسخگویی صریح و واقعی به آنها، بدون توسل به طفره روی، تبعیض و فریبکاری شرط اصلی گام برداشتن در جهت رفع بحران است و این گامی است که نخست باید توسط دولت های غربی، به ویژه آمریکا، برداشته شود.

امروزه سیاست خارجی بی تردید عرصه اصلی ظهور و بسط بسیاری از فرآیندهای «سیاسی» در جهان ماست. اما آن فرآیند سیاسی موسوم به «پوپولیسم» – که از قضا این روزها در بسیاری از نقاط و به ویژه آمریکای جنوبی، از نو به راه افتاده است ـ ضرورتاً واجد بعدی اقتصادی است. کنش ها، تصمیمات و لوایح اقتصادی دولت طی چند ماه گذشته، گویای پیروزی دیدگاهی پوپولیستی است که قرار است به شعارهای انتخاباتی رئیس جمهور در کوتاه ترین زمان جامه عمل بپوشاند. بودجه سال ۱۳۸۵ که مبنا یا موتور آن هزینه کردن ۳۵ میلیارد دلار از درآمدهای نفتی است، به شهادت اکثریت قریب به اتفاق اقتصاددانان، واجد آثار تورمی شدید و موجب بروز اخلال و رکود در بازار پول (بانک ها) و بازار نیمه جان سرمایه (بورس و . . .) خواهد بود. افزایش حجم دولت، تشدید وابستگی اقتصادی به نفت، رشد نقدینگی و تورم، رشد واردات و مصرف و . . . جملگی از پیامدهای قابل پیش بینی این بودجه اند. لیکن فرض بر آن است که این بودجه با به کار گرفتن سرمایه های عاطل و راکد، به ویژه درآمدهای هنگفت نفتی[1] در طرح های عمرانی ملی و استانی، کل اقتصاد کشور را به حرکت خواهد انداخت، تولید و اشتغال را افزایش خواهد داد و در نهایت با «بردن پول نفت بر سر سفره مردم» فقر و محرومیت انبوه مردمانی را علاج خواهد کرد که «در فرآیند توسعه نادیده گرفته شده و از قافله عقب مانده بودند» – تا آن که به ناگاه در روز سوم تیر با روی برگرداندن از «پروژه شکست خورده» یا حتی «خیانت بار» دوم خرداد، «انقلابی» جدید به پا کردند.

اما آخرین اقدام دولت جدید در جهت تحقق این «پوپولیسم اقتصادی»، طرح و تصویب طرح کاهش نرخ تسهیلات بانکی است. بسیاری از مخالفان این طرح که در آخرین هفته سال عملاً با مصوبه شورای پول و اعتبار تأیید شده بود. به سرعت آن را ناسازگار و مغایر با شرع و قانون اساسی اعلام کردند ـ یعنی مغایر با قانون بانکداری بدون ربا به جهت تثبیت نرخ سود بدون توجه به سود و زیان واقعی فعالیت های اقتصادی بانک ها و ناسازگار با تقسیم وظایف میان بخش های مختلف حکومت و نفی استقلال بانک مرکزی و دخالت بی سابقه مجلس در تعیین نرخ تسهیلات بانکی و نرخ سود سپرده گذاری ـ اینان امیدوارند که شورای نگهبان از تبدیل این لایحه به قانون جلوگیری کند. برخی دیگر نیز کوشیده اند تا با توسل به «اصل مقدس» پرهیز از «اقتصاد دستوری» و معرفی دخالت دولت در اقتصاد «آزاد» به مثابه نوعی گناه کبیره، به مخالفت با این لایحه برخیزند. در ادامه این نوشته سعی خواهد شد که با کنار گذاشتن ایرادات و اعتراضات فقهی ـ حقوقی و اقتصادی، این طرح دقیقاً از دیدگاهی سیاسی و به مثابه کنشی سیاسی که واجد پیامدهای سیاسی است، نقد و بررسی شود. «پوپولیسم اقتصادی» به واقع یک سیاست است، نه نوعی «خطای کارشناسی در فرآیند مهندسی اجتماعی». البته نقد این لایحه خاص از منظر اقتصاد سیاسی، در عین حال به ما اجازه می دهد تا مفاهیم و دیدگاه های نظری لازم برای درک و نقد سیاسی دولت اصولگرای جدید را فراهم آوریم.

آن چیزی که ماهیت سیاسی و مسئله دار «پوپولیسم اقتصادی» را برملا می کند، از قضا همان تناقض نیمه پنهانی است که دقیقاً در «مبانی ارزشی» آن نهفته است. این تناقض به لطف استفاده از «واژگان علمی» و براهین اقتصادی «ناب» پنهان مانده است؛ از این رو ترجمه «اهداف و وسایل» لایحه به زبان «اصول ارزشی» آن را عیان خواهد ساخت. یکی از اهداف اصلی لایحه، اعطای وام ارزان به کشاورزان فقیر، یا به طور کلی اقشار مستضعف، به قصد افزایش تولید، ایجاد شغل و دستیابی به رونق و رفاه اقتصادی است. اما اعطای وام ارزان مستقیماً موجب کاهش سود بانک خواهد شد. مدافعان لایحه برای پاسخگویی به این مسئله به این نکته اشاره می کنند که در نظام بانکداری اسلامی کارکرد و وظیفه اصلی بانک کمک به برقراری عدالت است، نه سوددهی. اما اگر قرار بر این باشد که اعطای وام ارزان به مولدان به رشد تولید و رونق اقتصادی منجر شود (یعنی به چیزی بسی بیش از رفع مشکلات و تنگناهای معیشتی اقشار محروم، نظیر تعمیر سقف کلبه یا تامین مخارج عروسی) آنگاه وام گیرنده نباید هیچ هدفی مگر حداکثر سودآوری را دنبال کند. ولی اگر هدف غایی لایحه تشویق وام گیرنده به کسب سود و سودآوری است، در این صورت چگونه می توان وسیله یا میانجی اصلی، یعنی بانک، را از سودآوری نهی کرد ـ هرچه باشد یک بانک، در مقام یک موسسه مالی متمرکز و حساب گر، طبیعتاً خیلی بیش از یک کشاورز محروم مستعد و خواستار سوددهی است.

با این حال، تناقض اصلی پوپولیسم، که نمونه فوق و ده ها مورد دیگر تبعات آن هستند، در جای دیگری نهفته است. اصل اساسی پوپولیسم ارائه تصویری از جامعه به مثابه یک کلیت ارگانیک یکدست است که هیچ گونه تعارض، ستیز، یا تضادی در آن حضور ندارد، کلیتی یکپارچه که نهایتاً در مفهوم کلی «مردم» تجسم می یابد. اصل دوم نیز که پیامد منطقی اولی است، چیزی نمی تواند باشد مگر فراکندن تعارضات، مشکلات و شکست های درونی به بیرون، به نحوی که در نهایت مقصر اصلی در همه موارد یک دشمن شرور خارجی است که گویا یگانه خواسته و هدفش در زندگی، منغص کردن عیش ماست! البته تقریباً همیشه یک بخش یا جزء درونی فاسد و گمراه نیز وجود دارد که همچون یک غده سرطانی سلامت پیکر متحد جامعه را تهدید می کند. عامل بروز درگیری و اختلاف و مسئول بسیاری از «خرابکاری ها» نیز همین بخش فاسد است که فی الواقع پیرو و دست نشانده همان دشمن خارجی است. روشن است که پوپولیسم نیز یکی دیگر از شمار همان ایدئولوژی های خاص «مدرنیته توسعه نیافته»، مدرنیته «جهان سومی»، یا به قولی «مدرنیزاسیون بدون مدرنیسم» است که می خواهند بدون گذر از تناقضات و ستیزها و بحران ها و شکست های تاریخی و سیاسی جامعه بورژوایی مدرن به «نعمات» فنی و اقتصادی آن دست یابند.[2]

خصلت پوپولیستی لایحه جدید دولت زمانی آشکار می شود که از خود بپرسیم: سرمایه ارزانی که گویا قرار است نصیب کشاورزان و محرومان شود، از سوی کدام قشر، طبقه، یا گروه تامین می شود؟ به عبارت دیگر، بهای آن را چه کسی می پردازد و در نهایت سود و زیان اجرای این قانون نصیب چه کسانی می شود؟ پاسخ رسمی بدین سئوال قطعی و روشن است: «هیچ کس، مگر همان خارجی هایی که مجبورند نفت ما را بخرند.» و البته دسترسی آسان به درآمدهای نفتی نیز موید چنین تصوری است. اما اگر از منظر اقتصاد سیاسی به این لایحه بنگریم، با تصویری کاملاً متفاوت روبه رو می شویم. کاهش نرخ تسهیلات بانکی به طور مستقیم و آنی موجب کاهش نرخ سود سپرده های بانکی می شود. از آنجا که نرخ تورم در سال جاری، برحسب ارقام دولتی و رسمی، حدود ۲۵ درصد پیش بینی شده است، بنابراین همه سپرده گذارانی که نرخ سود سرمایه آنان به دستور دولت ۱۴ درصد تعیین شده است، هر ساله عملاً ۱۰ درصد از سرمایه خود را از دست می دهند و البته با توجه به برنامه دولت برای دستیابی به نرخ تسهیلات (و در نتیجه نرخ سود) تک رقمی طی چند سال آینده و ناروشن بودن نوسان نرخ تورم (که با توجه به بودجه پیشنهادی دولت به احتمال قوی بالا خواهد رفت)، میزان ضرر سپرده گذاران سالانه افزایش نیز خواهد یافت.

حال باید پرسید این سپرده گذاران به واقع چه کسانی هستند و چرا باید دل نگران زیان آنها باشیم. بدنه اصلی این گروه را طبقه متوسط یا به واقع طبقه متوسط متوسط یا متوسط پایین تشکیل می دهند. ارقام سپرده های ایشان کلان نیست و از چند میلیون تجاوز نمی کند و منشاء بسیاری از آنها نیز افزایش سریع قیمت زمین مستغلات است. نمونه بارز این گروه کارمند بازنشسته ای است که پول فروش منزل موروثی اش را در بانک سپرده گذاشته تا با افزودن سود هفده درصدی آن به حقوق بازنشستگی اش (که کفاف مخارج یک هفته او و خانواده اش را نمی دهد) به نحوی خود را بالای خط فقر نگه دارد. البته توان فرهنگی، آموزشی، علمی و اداری کشور نیز تا حد زیادی متکی به همین طبقه است. اینان کسانی هستند که نمی خواهند یا نمی توانند سرمایه های کوچک خود را در عرصه های پرسودی نظیر بساز و بفروش، دلالی، واردات و قاچاق کالا و . . . به کار اندازند. در عین حال در موقعیتی نیز قرار ندارند تا بتوانند از رانت های دولتی برخوردار شوند یا از طریق نفوذ سیاسی به امتیازهای اقتصادی چشمگیر دست یابند و این در حالی است که صاحبان سرمایه های کلان با توجه به اختلاف چشمگیر و گاه بی حد و حصر میان نرخ سود بانکی با نرخ سود بازار آزاد و بنا به رسم همیشگی تجار ثروتمند، حاضر نیستند سرمایه خود را حتی برای یک روز نیز با نرخ سود زیر ۲۰ درصد عاطل بگذارند، به نحوی که حتی از خرید خانه مسکونی نیز خودداری می کنند زیرا ترجیح می دهند پول خانه را با سودی بی حد و حصر در بازار به کار اندازند. سپرده گذاری در بانک حتی در خواب نیز به ذهن افراد این طبقه خطور نمی کند.

خلاصه مقاله

اما آخرین اقدام دولت جدید در جهت تحقق این «پوپولیسم اقتصادی»، طرح و تصویب کاهش نرخ تسهیلات بانکی است. بسیاری از مخالفان این لایحه به سرعت آن را ناسازگار و مغایر با شرع و قانون اساسی اعلام کردند ـ یعنی مغایر با قانون بانکداری بدون ربا به جهت تثبیت نرخ سود بدون توجه به سود و زیان واقعی فعالیت های اقتصادی بانک ها و ناسازگار با تقسیم وظایف میان بخش های مختلف حکومت و نفی استقلال بانک مرکزی و دخالت بی سابقه مجلس در تعیین نرخ تسهیلات بانکی و نرخ سود سپرده گذاری ـ اینان امیدوارند که شورای نگهبان از تبدیل آن به قانون جلوگیری کند.

اما هیچ یک از نکات فوق نمی تواند مستقیماً نفی طرح را توجیه کند. دولت در مقام آن عنصری از وضعیت اجتماعی که ساختار این وضعیت، یعنی تقسیم جامعه به گروه ها و طبقات را شکل می بخشد و نظام کلی عدالت / بی عدالتی را تعیین و هدایت می کند همواره می تواند سرمایه یک طبقه را به قشر طبقه دیگر انتقال دهد. در نگاه نخست ممکن است چنین به نظر رسد که بهبود وضعیت اسفبار اقشار محروم به قیمت ضرر و زیان طبقه متوسط برخوردار از رفاه نسبی خود عین عدالت است و به علاوه کاملاً منطقی و بحق است که دولت پوپولیستی ای که با تبلیغات عدالت طلبانه و مردم پسند و با رای همین محرومان به سرکار آمده است، دست به چنین اقدامی زند. فقیر شدن و نزول طبقه متوسط یقیناً در درازمدت به اخلال و گسست در کل فرآیند توسعه و بروز عقب گرد تاریخی منجر خواهد شد. ولی اگر سیاست های اقتصادی دولت در کوتاه و میان مدت نتیجه دهد و به رشد اقتصادی بالای ۶ درصد و کاهش نرخ تورم بینجامد، حتی طبقه متوسط نیز نهایتاً از آن منتفع خواهد شد. ولی آیا تمامی شروط فوق که توجیه گر لایحه دولت اند به راستی وجود دارند. تا آنجا که به انتخابات مربوط می شود پیروزی احمدی نژاد برخلاف همه شعارها و تحلیل های «علمی»، نتیجه انتخاب آگاهانه انبوه محرومان فراموش شده نبود، بلکه در حقیقت بخش قابل توجه ای از همین طبقه متوسط بود که به واسطه دستکاری های قانونی و فراقانونی در فرآیند انتخابات، فضای مبهم سیاسی یا تبلیغاتی و واکنش منفی یا احساسی به کاندیدای رقیب با چرخشی ناگهانی سرنوشت انتخابات را رقم زد. طبق نظر دولت این کشاورزان و ساکنان مناطق محرومند که از این لایحه منتفع خواهند شد. بنابراین دولت با فقیرتر کردن طبقه متوسط عملاً می کوشد تا وضع محرومان را بهبود بخشد و از شکاف فقر و ثروت بکاهد. ولی آیا واقعاً چنین است؟ لایحه دولت موجب خواهد شد تا صف های دراز تقاضا برای وام ارزان به شیوه ای غیراقتصادی چند برابر شود. در این حالت، با توجه به نبود نظارت بر عملکرد بانک ها عمدتاً آن کسانی که راه و چاه کار بلدند و با از ما بهتران رابطه صمیمی دارند دست شان در این بازار آشفته به جایی بند می شود و البته اینها نیز عمدتاً همان دلالان اقتصادی و رانت خواران باتجربه اند. ولی اگر به فرض وامی هم نصیب کشاورزان فقیر شود، با توجه به انبوه مشکلات در ارتباط با تاسیسات زیربنایی، به کارگیری تکنولوژی مدرن و به ویژه با توجه به محدودیت بازار داخلی و قیمت های پایین محصولات کشاورزی و عدم امکان صادرات این وام نیز به احتمال قوی صرف مسائل معیشتی و فرونشاندن عطش مصرف خواهد شد، ولی حتی اگر این وام وارد چرخه تولید کشاورزی نیز شود حاصل آن با اهداف اعلام شده سازگار نخواهد بود. دستیابی به رونق اقتصادی از طریق کشاورزی در جهان امروز عملاً به معنای کاستن از اشتغال است، زیرا در کشاورزی مدرن فقط چند درصد جامعه باید غذای کل جامعه را تولید کرده و تازه اضافه آن را به خارج صادر کنند. با این حال شکی نیست که روستاها و مناطق محروم به طرح های عمرانی نیاز مبرم دارند و احتمالاً به همین دلیل است که مردم در سفرهای استانی رئیس جمهور و کابینه بیهوش می شوند. دستاوردهای دولت خاتمی عمدتاً خصلتی سیاسی و فرهنگی داشتند و شهرستان ها خیلی کمتر نتایج ملموس آن را تجربه کردند. گزاف نخواهد بود اگر بگوییم حتی نوعی حسادت نسبت به ساکنان پایتخت و شهرهای بزرگ در شهرستان ها و روستاها وجود دارد که می تواند بهانه خوبی برای تبلیغات پوپولیستی شود. اما طنز قضیه در آن است که خود این طرح های عمرانی که قرار است در مناطق محروم اجرا شود؛ جملگی توسط شرکت های خصوصی مقاطع کاری پیدا خواهند شد که صاحبانشان ساکن تهران و شاید حتی لندن و لس آنجلس هستند. به علاوه اساسی ترین نکته در این طرح پوپولیستی که گویا قرار است سهم مناطق محروم را از توسعه و درآمدهای نفتی میان آنها تقسیم کند می تواند به شکلی اصولی از طریق پیگیری سیاست تمرکززدایی اقتصادی تحقق یابد. مردمان این مناطق می توانند از طریق نمایندگان مخفی خود درباره سهم بحق خود و چگونگی خرج کردن آن در بودجه تصمیم گیری کنند. در این صورت چرا این مردم باید همچون خیل گدایان به دنبال ماشین بدوند و از شدت بیم و امید بیهوش شوند؟

چرا آنها باید حق خود را به عنوان هدیه و پاداش از دست دیگری دریافت کنند؟

آیا اصولاً کاهش شکاف میان فقر و ثروت دغدغه حقیقی این دولت است؟ اگر چنین است چرا دولت قبل از فراهم آوردن وام ارزان برای کشاورزان با همه مشکلات و ابهامات فوق فکری به حال حقوق عقب افتاده هزاران معلم و کارگری نمی کند که روی خط فقر بندبازی می کنند یا زیر آن دست و پا می زنند تا از گرسنگی نمیرند (چه رسد به انبوه زاغه نشینان و تهیدستان شهری). دولتی که دغدغه محرومان را دارد قاعدتاً باید از تجمع آنها برای استیفای حقوق خویش خشنود شود ولی در این صورت برخورد با رانندگان شرکت واحد را چگونه می توان توجیه کرد؟ بنابراین پوپولیسم اقتصادی دولت صرف نظر از نیات دولتمردان نهایتاً موجب کاهش شکاف میان فقیر و غنی نخواهد شد بلکه برعکس با فقیر کردن طبقه متوسط و نفع رساندن به صاحبان سرمایه و قدرت این شکاف را گسترده تر خواهد کرد. پوپولیسم چنان که گفتیم استوار بر معرفی جامعه به مثابه یک کل یکدست و متحد یعنی توده های گوش به فرمان برای مبارزه با دشمن خارجی است. از قضا امروزه پوپولیسم رواجی دوباره یافته است. هوگو چاوس در ونزوئلا برای چک و چانه زدن با آمریکا و رهبر منطقه ای شدن همان خطی را دنبال می کند که فیدل کاسترو. اما موفقیت او بسیار چشمگیرتر بوده است زیرا که بر سر سفره مجانی نفت نشسته است. ظاهراً امروزه پوپولیسم نیز همچون هر چیز دیگر فقط در مقام شکلی از بازتولید سرمایه رشد و گسترش می یابد. از این رو به رغم ظاهر معنوی یا آرمان گرایانه اش نباید گول آن را خورد. آن حقیقتی قابل دفاع است که بدون یاری پول و سرمایه راه خود را باز کند. گسترش پوپولیسم اقتصادی و سیاست های پوپولیستی در کل به احتمال قوی موجب خواهد شد تا رویارویی با دشمن خارجی (و عمال داخلی اش!) و سرپوش نهادن بر تعارضات و اختلاف درونی به جو غالب بدل شود.

حال آنکه راه درست و روشن و علنی ساختن تعارضات درونی است تا از این طریق منافع مشترک همگانی آشکار شود. آن گاه است که همگان می توانند با تکیه بر این منافع متعدداً در برابر فشارهای نامعقول و خواسته های نامشروع خارجی ایستادگی کنند.

در نهایت باید گفت پوپولیسم نیز همچون گره زدن دموکراسی به بازار آزاد، نولیبرالیسم و نومحافظه کاری یکی دیگر از آن ایدئولوژی ها است که ساکنان این سیاره ناچارند به خاطر حاکمیت سرمایه داری بهای آن را بپردازند. این که آنها تا کی این بها را خواهند پرداخت در گرو انتخاب سیاسی همه ماست.

پی نوشت ها:

۱ ـ در واقع کاهش سقف ارزی بودجه به ۳۵ میلیارد دلار نیز نهایتاً با کاستن از بودجه طرح های عمرانی توسط مجلس صورت پذیرفت.

۲ ـ برای توضیح بیشتر در مورد «مدرنیسم توسعه نیافته» ر. ک به مارشال برمن، تجربه مدرنیته، طرح نو، ۱۳۸۳

بازتاب

هزینه عمرانی تورم را کاهش می دهد

سازمان مدیریت و برنامه ریزی در پاسخ به یکی از مطالب شرق، جوابیه زیر را به روزنامه ارسال کرده که به طور کامل در پی می آید: با سلام مطلبی با عنوان «بودجه ۸۵ کل کشور دو بار ترمیم می شود» در مورخ ۸۵/۱/۲۰ در آن روزنامه به چاپ رسیده است، از آنجا که مطلب مورد اشاره حاوی نکات درخور پاسخگویی است، لطفاً ترتیبی اتخاذ فرمایید اصلاحیه پیوست به منظور روشن شدن افکار عمومی و به استناد قانون مطبوعات به اطلاع خوانندگان گرامی آن روزنامه رسانده شود. در مطلب بودجه ۸۵ کل کشور دوباره ترمیم می شود، نگارنده محترم در ابتدا با ارائه تحلیلی به روند ارائه لایحه متمم بودجه (عمرانی و جاری) به مجلس شورای اسلامی پرداخته گرچه در بیستمین روز از فروردین ماه حکم قطعی برای ارائه لایحه متمم جاری قدری عجولانه و به دور از واقعیت های کارشناسانه است اما براساس این پیش فرض نادرست پیش بینی هایی در مطلب مذکور مطرح شده است که در زیر به طور اجمال به بخش هایی از آن اشاره می شود. از منظر اقتصاد داخلی مازاد عرضه پول، مازاد تقاضا و فشار دستمزدها از عوامل موثر بر تورم به شمار می آیند. از بعد خارجی نرخ ارز و قیمت کالاهای وارداتی از عوامل موثر بر تورم و رشد آن محسوب می شود. بررسی آماری متغیرهای مرتبط با تورم از گذشته تاکنون بیانگر آن است که نقدینگی شاخص قیمت کالاهای وارداتی و افزایش حقوق و دستمزدها به طور مثبت و تولید به طور منفی با تورم ارتباط دارد. بنابراین اذعان می دارید که افزایش تولید یا به عبارتی ارزش افزوده بخش های مختلف یکی از اقدام ها برای کاهش تورم است و برخلاف نظر نگارنده محترم که هزینه های عمرانی را باعث افزایش تورم دانسته از آنجا که این هزینه ها زمینه افزایش ارزش افزوده را در بخش های مختلف اقتصاد فراهم می آورند خود بسترساز افزایش تولید و از سویی کاهش تورم خواهد بود. نکته دیگری که باید مورد توجه قرار داد پیش بینی ها و مفاد قانون برنامه چهارم توسعه درخصوص افزایش بهره وری است که عامل مهمی در افزایش تولید محسوب می شود و خود یکی از عواملی است که تا حدودی از اثرات تورمی افزایش حقوق و دستمزدها می کاهد. در زمینه نقدینگی به عنوان یکی از اصلی ترین عوامل موثر بر تورم باید به این نکته توجه داشت که با اتخاذ سیاست های پولی هدفمند که همواره مورد توجه و تاکید دولت بوده این رشد که به عبارتی بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی، دارایی های خارجی بانک مرکزی و بدهی سیستم بانکی به بانک مرکزی است تحت کنترل قرار می گیرد. درخصوص موضوع ابهام در سقف های جدید بودجه عمرانی و عدم ابلاغ بودجه عمرانی دستگاه های اجرایی برای روشن شدن ذهن نگارنده و خوانندگان محترم باید یادآور شد تمام تغییرات مورد نظر مجلس محترم شورای اسلامی از جمله کاهش حدود ۳۰ هزار میلیارد ریال اعتبارات عمرانی در روز ۱۳۸۴/۱۲/۲۸ اعمال و در تاریخ ۸۴/۱۲/۲۹ ابلاغیه بودجه تمام دستگاه های اجرایی شامل: درآمدها، اعتبارات تملک دارایی های سرمایه ای و مالی آماده و در اولین روز کاری سال جدید ابلاغ شد که تمام ابلاغ های مورد اشاره موجود است. بنابراین مطلب این بخش از گزارش مبنی بر عدم محاسبه بودجه عمرانی دستگاه ها تکذیب می شود. در متن ابلاغیه بودجه دستگاه های اجرایی تاکید شده که موافقتنامه های مبادله شده تملک دارایی های سرمایه ای سال ۱۳۸۴ در سال ۱۳۸۵ به قوت خود باقی است. بنابراین مبادله اصلاحیه موافقتنامه صرفاً مربوط به طرح هایی است که شرح عملیات یا اعتبار آنها تغییر کرده باشد از این رو در مورد بیشتر طرح های عمرانی به مبادله اصلاحیه موافقتنامه نیاز نیست.

ایران رکورددار نرخ تورم در خاورمیانه

فارس: صندوق بین المللی پول با پیش بینی نرخ تورم در کشورهای مختلف خاورمیانه و شمال آفریقا طی سال ۲۰۰۶ اعلام کرد: عربستان کمترین و ایران بیشترین نرخ تورم در این سال را خواهند داشت. صندوق بین المللی پول افزود: در میان ۱۳ کشور خاورمیانه و شمال آفریقا، عربستان سعودی با نرخ تورم یک درصد شاهد کمترین افزایش قیمت ها در سال ۲۰۰۶ خواهد بود. پس از آن عمان با نرخ تورم ۱/۱ درصد و بحرین با نرخ تورم ۲ درصد در رده های بعدی قرار خواهند داشت. نرخ تورم در دیگر کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا به این ترتیب پیش بینی شده است: لبنان ۲/۵ درصد، قطر ۲/۷ درصد، لیبی ۳ درصد، کویت ۳/۵ درصد، مصر ۴/۴ درصد، امارات ۵/۵ درصد، اردن ۶/۹ درصد، سوریه ۷/۲ درصد، یمن ۱۵/۵ درصد و ایران ۱۷ درصد. صندوق بین المللی پول در ادامه گزارش خود پیش بینی کرده است نرخ تورم در ایران طی سال ۲۰۰۷ بدون تغییر نسبت به سال جاری در حد ۱۷ درصد ثابت باقی بماند.

صادرات غیراستاندارد چین به ایران

روابط عمومی موسسه استاندارد: بر اساس آخرین آمار صادرات و واردات کالاهای غیراستاندارد، چین با اختصاص سهم ۶۹/۴ درصدی همچنان بزرگترین صادرکننده کالاهای غیراستاندارد به کشور است. به دلیل همسویی با نظارت بر کالاهای وارداتی مشمول مقررات استاندارد اجباری و به منظور حمایت از حقوق مصرف کنندگان و تولیدکنندگان و جلوگیری از ورود کالاهای نامرغوب خارجی از ورود فرآورده هایی به ارزش نسبی ۱/۵ میلیون دلار به کشور جلوگیری به عمل آمد. براساس این گزارش در اسفند سال ۸۴ از م